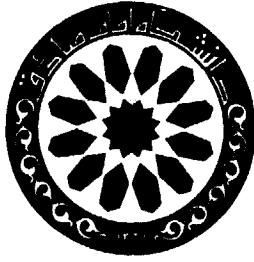


الله
الرحمن الرحيم

کتابخانه مرکزی دانشگاه امام صادق (ع)

شماره ثبت ۳۹۰
شماره ۴



دانشگاه امام صادق (علیه السلام)

دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد علوم سیاسی

012380

تیلور فاسیونالیسم در شعر سیاسی ایران

(دوران مشروطه تا کودتای رضا خان)

مهدی قربانی دولت آبادی

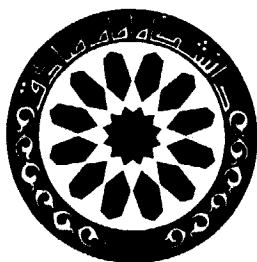
مرکز مطالعات مدرن علمی ایران
تاسیس ۱۳۵۷

استاد راهنما:

دکتر عبدالرضا هوشنگ مهدوی

بهار ۱۳۷۹

۳۵۳۰۹



دانشگاه امام صادق (علیه السلام)

دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی

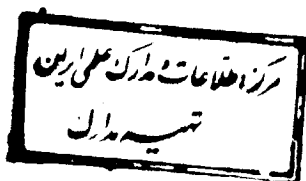
پایان نامه دوره کارشناسی ارشد علوم سیاسی

تبلور ناسیونالیسم در شعر سیاسی ایران

(دوران مشروطه تا کودتای رضا خان)

۱۳۸۰ / ۲ / ۲۰

مهدی قربانی دولت آبادی



استاد راهنما:

دکتر عبدالرضا هوشنگ مهدوی

استاد مشاور:

دکتر فرهاد عطایی

بهار ۱۳۷۹

کلیه حقوق اعم از چاپ و تکثیر، نسخه برداری،
ترجمه، اقتباس و... از این پایان نامه کارشناسی ارشد
برای دانشگاه امام صادق علیه السلام محفوظ است. نقل
مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

تأییدیه اعضای هیأت داوران حاضر در جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

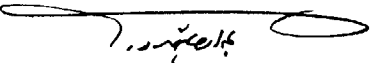
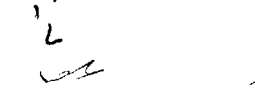


اعضای هیأت داوران نسخه نهایی پایان نامه آقای مهدی قربانی دولت آبادی ^{کد} ۷۰۳۱۲۵۵۳۸

تحت عنوان تبلور ناسیونالیسم در شعر سیاسی ایران

(دوران مشروطه تا کودتای رضا خان)

را از نظر شکل و محتوی بررسی نموده و پذیرش آنرا برای تکمیل درجه کارشناسی ارشد پیوسته

پیشنهاد می کنند.

اعضای هیأت داوران	نام و نام خانوادگی	رتبه علمی	محل امضاء
(۱) استاد راهنما:	دکتر عبدالرضا هوشنگ مهدوی	استاد	
(۲) استاد مشاور:	دکتر فرهاد عطایی	استاد	
(۳) نماینده شورای تحصیلات تکمیلی دانشکده:	دکتر ناصر جمالزاده		
(۴) اساتید ناظر:			
(۱)	دکتر حمید بهرامی		
(۲)			

به یاد بنده راستین خدا، او که آنقدر نیاید تا ذره‌ای بشناسمش و برای همیشه در لابلای اسطوره‌ها و افسانه‌ها و خاطرات ناباورانه و افسونگرانه ماندگاری که از حقیقت ساده و بی انکار خویش در خاطر مبهوت خیل عاشقان مراش باقی گذاشت ناپدید شد و همه را به داغ نشاندد. پدرم آن استوار مرد مردستان اطاعت و عبادت، همو که فارغ از هر عنوان و مقام، بلندی و عزت و آزادگی را در منتهای سجود و در همان بند بند و دست و پا بستگی بندگی می‌جست و تنها می‌خواست بنده خدا باشد و بود. خدای خوان و نماز باره‌ای که سلمان گونه مسلمان بود و جز با گذار در پس کوچه‌های خلوت و غریب مانده قرآن و نیایش شبانه و سلوک در جغرافیای بی منتهای دعا و مناجات دل خوش نمی‌داشت و زبانش همواره گویا به ذکر و دیدارش یادآور خدا و صفات جمال کبریایی و دلش همواره سجاده‌ای رو به قبله بود. بنده نبود بلکه به راستی در بندگی، خدا بود و جز خدایی همه کارش خدایی، افسوس که نشناختمش و همه این حرفها نیز دیگر برای من پدر نمی‌شود.

و هدیه به تمامی عشقمان و عشق تماممان، مادرم. تنی خسته و نالان، انبوهی درد ناگفته در اندرون، دلی چاک چاک، زانوانی فرتوت و ناتوان؛ اما دوان پی تیمار فرزندان و با این همه، دستانی بی نیاز، نگاهی بی چشمداشت و وجودی که تنها به عشق زنده است و تمام. به نگاه‌هایی همیشه نگران و در انتظار سامان آینده فرزندان، خیره به دور دستان؛ با یاد خاطره‌های رفته، دلهره‌های مانده. چشمانی که مرا با تمام آهن دلی‌ام تسخیر کرده و با همه کم لطفی‌ها و بی مهری‌هایم و البته شرمندگی از رفتار نافرزدانه‌ام مرا همیشه مادرانه نگرسته‌اند و آوای جانفزایی که تا گرمایش آرامش جانم بخشد همیشه منتظرم تا با تمام لطافت حریر حنجره‌اش صدایم کند و وقتی بی هیچ بهانه‌ای و فقط برای دل من و شاید دل خود موعظه‌ام کند بیشتر به صدایش نرم و رام شوم تا به موعظه. مادری که بار سنگین پدری و اداره معیشت یک تنه بر دوش؛ هر چند خود پس از پدر تنهاتر و بی پناه تر از ماست تمام تلاش او بر تقسیم بی دریغ و متساوی لبخندها و ته مانده‌های رمق خود در میان ماست و تا غصه یتیمی مان اندکی بکاهد؛ با خود، اندرون ابر است و با ما، بیرون آفتاب.

و تقدیم به خواهر پاکدامنم که وجودش در دانه‌ای پاک و پاره‌ای از وجود دو گوهر ناب و تجسم و بازگوی خاطرات هر دو برای ماست و همچون فرشته‌ای نگاهبان می‌پایدمان و از لغزشها با زمان داشته برای رفتار درست و سنجیده نگاهمان به اوست. دره نادره و کیمیای دیر یاب صدف گمگشته اقبالمان که به دور از تمام وسوسه‌های اهریمنی، حساس به نماز و حجاب و دین و وسواس خدمت به مادر است و همراه با بردباری و چشم پوشی کریمانه از تندیه‌های برادر، خواهرانه به من رسم مروت و وفا و برادری می‌آموزد.

و پیشکش برادرانم مالکان تمام داشته‌ها و دانسته‌هایم که خود را برای همیشه رهین آن همه لطف و گذشت و دستگیری آنان می‌دانم و ناتوان از جبران. خجلانه و مردانه اعتراف می‌کنم.

قدردانی

ضمن سپاس بی قیاس از درگاه خداوندگار یگانه بی همتا؛ چنانکه ادب و انصاف و پیروی سنتهای نیک گذشتگان معرفت کیش ایجاب می نماید لازم است تا مراتب سپاس خود را نسبت به تمام بزرگوارانی که هر یک به نوعی در کار پژوهش و تدوین و نگارش این دفتر اینجانب را یاری رسانده اند ابراز نمایم. آنهایی که تشکر و امتنان این حقیر را نه نیازمندند و نه از قدردانی ناقص این بی مقدار قدرشان افزون خواهد شد بلکه تنها این مرا مجالی است برای کسب افتخار در احترام و بزرگداشت ایشان.

بی گمان سپاس و امتنان از استاد گرامی جناب آقای دکتر عبدالرضا هوشنگ مهدوی با آن مراتب علمی و فرزنگی و البته آن هم از جانب بنده، کمترین معرفت اندوز بی مقدار خرمن فضل و کمال و دانش ایشان کاری است بس مشکل و نه در توان من و این کلمات سرشار از احساس برخاسته از جان، بی شک سزاوار آن همه هدایتهای علمی و و خوشرویی و پذیرایی گرمشان از بنده نخواهد بود. امیدوارم توانسته باشم اثری در خور نام ایشان فراهم آورم.

همچنین از استاد فرزانه جناب آقای دکتر عطایی بی اندازه ممنونم که با ارائه نظرات سازنده و صرف وقت برای بازخوانی مشقت بار دست نویس پایان نامه، صبورانه و بنده نوازانه همفکری و همراهی مستمری با این کمترین شاگرد خویش داشتند. بارها با ایشان بر سر یک یک جزئیات این دفتر به کنکاش نشستیم و ایشان را از بهترینهایی یافتیم که می توان در بسیاری موضوعات و عرصه ها از رهنمودها و مشاوره شان بهره ها گرفت. ای کاش توانسته باشم آنچه منظور نظر ایشان بوده را در این نوشتار رعایت نمایم.

و نیز از دانشمند ارجمند جناب آقای دکتر بهرامی که در مراحل آغازین کار از توضیحات و راهنمایی های سودمند و مشفقانه و پشتیبانی های پدران شان بهره گرفته و دلگرم به ادامه کار شدم و در نهایت نیز حاصل کارم را به قضاوت و داوری ایشان و نهادم سپاسگزاری می نمایم

و در پایان آنچه را که مرا در نگارش یک به یک این سطور صبورانه همراهی نموده و قوت قلب و تسلی بخشیده است که بی گمان همانا نگاه دلدوز و دعای هماره مادر و خواهر عزیزتر از جانم و خاطره سوز مناجات دلنشین و به یاد ماندنی و ورد نیم شبی پدر از دست رفته ام بوده در خور سپاس و تقدیر بی نهایت و موجب رهین شدن ابدی خود می دانم.

مهدی قربانی دولت آبادی

ربنا لا تؤاخذنا ان نسينا او اخطانا

چکیده:

گسترش فرآیند تقلیدی و وارداتی ناسیونالیسم در ایران که با توجه به شرایط خاص ایران و بستر سیاسی، فکری و اجتماعی اواخر دوره ناصری با تجدید خواهی در هم آمیخت و وجه غالب آن برقراری یک حکومت ملی مستقل و رفع استبداد و کوتاه کردن دست بیگانگان در امور داخلی ایران بود. نهضت‌های چندی همچون قیام تنباکو و انقلاب مشروطه را به وجود آورد. با همه تحریفات و انحرافات در جریان مشروطه و حاکمیت ملی و تضاد ارزشهای ناسیونالیسم با ارزشهای جامعه ایران که گرایشهای متعددی را در آن موجب شد باز هم جریان ناسیونالیسم از حرکت باز نایستاد و هر چند هر زمانی در چهره‌ای تازه جلوه‌گری نمود اما تأثیرات خود را در بخشهای مختلف جامعه بر جای نهاد.

همزمان با انقلاب مشروطه، در ادبیات و به ویژه شعر سیاسی نیز که از نظر مفاهیم جدید و انتقادات به اساس حکومت و شخص حاکم با اشعار سیاسی پیش از آن متفاوت بود یکی از مفاهیم جدیدی که همراه با رشد ناسیونالیسم ایرانی به ظهور رسید و محملی برای ابراز علاقه و اندوه درونی شاعر نسبت به ایران شد مفهوم «وطن» بود.

صرف نظر از اشکال افراطی ناسیونالیسم، در شعر نیز وطن خواهی مثبت و توجه به تاریخ و دستاوردهای ایران باستان با انگیزه شدید احساس عقب ماندگی و سرخوردگی روانی از مشاهده پیشرفت‌های غربیان جریان داشت و گویی وطن به معشوق جدید بسیاری شاعران تبدیل شده بود. این انگیزه آنان را وادار می‌داشت که از سرانده و حسرت از نابسامانی ایران که حاصل فقدان حکومتی مقتدر و مستقل از دخالت بیگانگان بود شکایت سر دهند و برای تهییج ایرانیان تصاویر متعددی از وخامت اوضاع در قالب و به زبانی همه فهم ارائه دهند و حتی همراه با جریان ناسیونالیسم در ایران، گاه به افراط نیز کشیده شده حتی به سمت شوونیسم تمایل یابند. تمامی این حالات را می‌توان در اشعار وطنی بسیاری از شاعران مشروطه همچون بهار، دهخدا، عارف، فرخی یزدی، سید اشرف، لاهوتی، میرزاده عشقی و... به وفور یافت.

واژه‌های کلیدی: ناسیونالیسم، وطن، وطن خواهی، مشروطیت، شعر سیاسی، شعر

وطنی، شاعر سیاسی و وطنی

«نبذة»

إنّ اتساع نطاق التيار التقليدي للقومية والذي كان قد أخذ طابعاً استيرادياً في إيران أدى الى حدوث عدة انقلابات من ضمنها انقلاب التبغ و انقلاب المشروطة و نظراً للظروف الخاصة و القاعدة السياسية و الفكرية و الاجتماعية التي كانت تشهدها الساحة الايرانية في نهاية العهد الناصري، فقد امتزج تيار القومية مع ظاهرة الحداثة و الوجه الغالب فيه كان يتمثل ضمن اقامة حكومة وطنية مستقلة و كان يصبو الى ازالة الظل الثقيل للاستبداد و الحؤول دون تدخل الاجانب في شؤون ايران الداخلية.

و بالرغم من جميع التحريفات و الانحرافات التي طرأت على قضية المشروطة و السيادة الوطنية و بالرغم من تنافر القيم القومية مع قيم المجتمع الايراني - الامر الذي أدى بالتالي الى حدوث عدة نزعات - فإنّ جميع هذه العوائق لم تفلح في ايقاف عجلة القومية و إنّ كانت تمثل بين الفينة و الاخرى في صورة و شكل ما وليكن أنّها قد تركت بصماتها على القطاعات المختلفة في المجتمع. يمكن اعتبار مفهوم «الوطن» كأحد المفاهيم الجديدة التي ظهرت على ضوء نموّ القومية الايرانية حيث اصبح هذا المفهوم بمثابة قاعدة مناسبة للتعبير عمّا يدور في خواطر الشعراء من حب الوطن و حزن و توجع عليه و جاء ظهور مفهوم «الوطن» تزامناً مع انقلاب المشروطة حيث شهد الادب و خاصة حقل الشعر السياسي اختلافاً واضحاً مع ما كان عليه سابقاً اذا أنّ الادب تناول مفاهيم جديدة تضمنت توجيه انتقادات الاساس الحكم و الشخص الحاكم. و بغضّ النظر عن اشكالية التطرف و التشدد التي كانت تتصف بها القومية آنذاك، فقد كان الادب حينها يتناول اشعاراً تحكى «حب الوطن» و تتخلّل بين سطورها لفت الانظار الى التاريخ الايراني و ما حققته ايران القديمة من انجازات، من جهة أخرى كانت تتمّ هذه الاشعار ايضاً عن الشعور بالتخلف و الاكتئاب النفسي ازاء ما توصل اليه الغرب من تقدم ملحوظ. و هذا هو الامر الذي حمل هؤلاء الشعراء و أشجعهم على التعبير عن حزنهم و اسفهم تجاه تفاقم و ترديّ الاوضاع في ايران لا فتقادها حكومة مقتدرة و مستقلة لاتطالها ايدي الاجانب كما كان يدفعهم ذلك ايضاً الى تقديم صور عديدة في قالب الشعر تنبئ ع ما آلت اليه الاوضاع من تفاقم في ايران و كان هذا الامر يبلغ بالشعراء حدّاً من التطرف يرمى بهم الى حافة الشوفينية. و يمكن العثور على مثل هذه الحالات و الوقوف عليها عن كثب عبر تصفح دواوين الاشعار الوطنية لكثير من شعراء عهد المشروطة و من ضمنهم: بهار، دهخدا، عارف، فرخى يزدي، سيد اشرف، اللاهوتي، ميرزادة عشقي و...

كلمات اصلية: القومية، الوطن، حب الوطن، المشروطة، الشعر السياسي، الشعر الوطني،

الشاعر السياسي و الوطني.

فهرست مطالب

۱	مقدمه و طرح تحقیق
۱۱	فصل اول: کلیات
۱۱-۱	جستاری در ناسیونالیسم به عنوان پدیده‌ای تاریخی
۱۲-۱-۱	۱-۱-۱ منشأ و سیر تاریخی اندیشه ناسیونالیسم و متفکران آن در اروپا
۱۲-۱-۱-۱-۱	۱-۱-۱-۱-۱ قدمت و پیشینه ناسیونالیسم
۱۲-۱-۱-۱-۱-۱	۲-۱-۱-۱-۱ مبانی نظری و فکری به همراه سیر تاریخی و شرایط پیدایش ناسیونالیسم
۲۱	ناسیونالیسم
۵۶	۲-۱-۱ انواع ناسیونالیسم
۵۹	۳-۱-۱ آثار و نتایج ناسیونالیسم
۷۷	۲-۱ درآمدی بر تبیین تعامل ادبیات و جامعه
۷۸	۱-۲-۱ جامعه‌شناسی ادبیات
۱۰۳	۲-۲-۱ مروری بر نظریه ادبیات متعهد و ملتزم
۱۲۱	۳-۱ نگاهی به شعر فارسی و تحولات آن در دوران مشروطه
۱۲۲	۱-۳-۱ دگرگونی جایگاه و احوال شعر و شاعر و شکل‌گیری ادب سیاسی
۱۳۹	۲-۳-۱ ویژگی‌های شعر مشروطه

۱۶۳	فصل دوم
۱۶۳	۱-۲ گامی در شناخت شعر سیاسی - انتقادی
۱۶۴	۱-۱-۲ رابطه شعر و سیاست
۱۸۹	۲-۱-۲ شعر سیاسی و خاستگاه‌های آن
۱۹۹	۲-۲ اوضاع شعر سیاسی ایران در دوران قاجاریه (پیش از مشروطه)
۲۰۰	۱-۲-۲ ماهیت شعر سیاسی این دوره
۲۰۵	۲-۲-۲ معرفی چند شاعر سیاسی سرای این دوره
۲۲۳	۳-۲ شعر سیاسی بعد از مشروطه
۲۲۴	۱-۳-۲ عناصر معنایی یا مهم‌ترین محورهای شعر سیاسی مشروطه
۲۷۵	فصل سوم
۲۷۵	۱-۳ جستاری در تجلی اندیشه ناسیونالیسم در میان ایرانیان
۲۷۶	۱-۱-۳ بحران حاکمیت در دوران قاجاریه
۲۹۶	۲-۱-۳ گرایشهای ناسیونالیستی و زمینه‌های فکری ناسیونالیسم در ایران
۳۰۴	۳-۱-۳ گرایشهای فکری - سیاسی در ناسیونالیسم ایرانی از مشروطه تا رضا خان
۳۲۲	۴-۱-۳ گرایشهای میهن پرستانه ایرانی در دوره قاجاریه
۳۲۴	۱-۴-۱-۳ میهن و میهن پرستی
	۲-۴-۱-۳ بررسی اصول نظرات طیف میهن پرستان ایرانی از خلال برخی رسائل و
۳۳۴	نوشتجات
	۳-۴-۱-۳ امیر کبیر سردمدار گرایشهای میهن پرستانه ایرانی در میان سیاستمداران و
۳۴۸	دولتمردان قاجاریه
۳۵۹	۲-۳ مفهوم وطن در شعر فارسی پیش از مشروطه
۳۶۰	۱-۲-۳ بعد قومی و نژادی مفهوم وطن در شعر فارسی

۳۷۵	۲-۲-۳ بعد اسلامی و فقهی مفهوم وطن در شعر فارسی
۳۷۸	۳-۲-۳ بعد اقلیمی مفهوم وطن در شعر فارسی
۳۸۹	۴-۲-۳ بعد عرفانی مفهوم وطن در شعر فارسی
۳۹۴	۳-۳ مفهوم وطن در شعر شاعران مشروطه
۳۹۵	۱-۳-۳ تلقی جدید از مفهوم وطن
۴۲۸	۲-۳-۳ شاعران مشروطه و اشعار وطنی آنها
۴۲۸	۱-۲-۳-۳ ادیب الممالک فراهانی
۴۴۰	۲-۲-۳-۳ میرزاده عشقی
۴۴۹	۳-۲-۳-۳ ایرج میرزا
۴۶۱	۴-۲-۳-۳ ادیب پیشاوری
۴۶۵	۵-۲-۳-۳ نسیم شمال (اشرف الدین حسینی)
۴۷۴	۶-۲-۳-۳ عارف قزوینی
۴۹۱	۷-۲-۳-۳ فرخی یزدی
۵۰۵	۸-۲-۳-۳ ملک الشعرای بهار
۵۱۷	۹-۲-۳-۳ علی اکبر دهخدا
۵۲۲	۱۰-۲-۳-۳ ابوالقاسم لاهوتی

۵۳۳

نتیجه گیری

۵۴۲

منابع و مأخذ

چکیده عربی

چکیده انگلیسی

مقدمه و طرح تحقیق

حوادث چندی در سالهای اخیر همچون جریان وحدت دو آلمان، فرو پاشی اتحاد جماهیر شوروی و تجزیه آن به جمهوریها و کشورهای مستقل و جنگهایی که هنوز در این راستا بر پاست، جنگ داخلی یوگسلاوی و... همه گواه بر این معناست که ناسیونالیسم هنوز از نیروهای تعیین کننده در سیاست جهانی است.

ناسیونالیسم به عنوان یک ایدئولوژی سابقه‌ای نه چندان طولانی داشته و پیشینه آن به قرن هیجده و نوزده میلادی و واقعه انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه می‌رسد؛ اما در این مدت کوتاه نیز جلوه‌های گوناگونی به خود گرفته و تأثیرات بی شماری بر دیگر جوامع از خود بر جای نهاده است. گاهی در هیأت امپریالیسم و فاشیسم و نازیسم ظهور کرده و گاه به ویژه پس از جنگ دوم جهانی و در کشورهای جهان سوم در لباس نهضت‌های رهایی بخش و ضد استعماری در آمده و زمانی نیز در چهره گروه‌های پان - پان ترکیسم، پان عربیسم و پان ایرانیسم - رخ نموده است. این نیرو هم توانسته در دست استعمارگران مفید واقع شده و دستاویزی برای طرح نظریه‌های نژاد پرستانه و توسعه طلبانه از راه تبلیغ قوم گرایی و در نتیجه از هم پاشیدن دولتهای کوچک تر گردد و هم از سوی دیگر مصلحان اجتماعی از آن برای ایجاد آگاهی و برانگیختن احساسات ضد بیگانه و ایجاد یکپارچگی و وحدت در میان آحاد ملت در برابر توسعه طلبی بیگانگان بهره گرفته‌اند. از این رو ناسیونالیسم به عنوان نیرویی کارا غیر قابل انکار است.

در ایران نیز همانند بسیاری دول شرقی دیگر، این ایدئولوژی مورد توجه اندیشمندان قرار گرفته و با توجه به موفقیت‌های ملل اروپایی از قبل ناسیونالیسم که حاصل آن ایجاد قدرت مرکزی مقتدری بود موضع‌گیری‌ها و واکنش‌هایی را از سوی آنان علیه اوضاع نابسامان ایران و در جهت

ایجاد ناسیونالیسم به سبک و سیاق اروپایی آن برانگیخت که در خلال بستر سیاسی، اجتماعی و فکری اواخر دوره ناصری و با توجه به شرایط خاص ایران آمیختگی قریبی با تجدد خواهی یافت و بحثهای متعددی را در مورد ملیت و وطن پرستی و تناسب یا عدم سازگاری آن با مذهب ایجاد نمود.

به هر حال ناسیونالیسم در ایران که محصول برخورد اقتصادی، فکری و سیاسی با غرب و آشنایی ایرانیان با مفهوم حاکمیت ملی و حکومت قانون در آن سامان بود باید یک کالای وارداتی انگاشته شود که قیام تنباکو و به ویژه انقلاب مشروطه نیز به دنبال ریشه دواندن این جریان فکری گسترش یافته توسط برخی اندیشمندان ایرانی به وجود آمد و وجه غالب آن نیز برقراری یک حکومت ملی مستقل و رفع استبداد و از طرف دیگر کوتاه کردن دست مداخله گران بیگانه در امور داخلی ایران بود.

با همه تحریفات و انحرافات که در جریان مشروطه و حاکمیت ملی رخ داد و با همه تضادهایی که ارزشهای ناسیونالیسم حاصل از انقلاب مشروطه با دیگر ارزشهای جامعه ایران داشت، به تدریج نیزگرایشهای متعددی را به دنبال خود آورد؛ اما جریان ناسیونالیسم از حرکت باز نایستاد و هر چند هر زمانی در چهره‌ای تازه جلوه‌گری نمود اما تأثیرات خود را در بخشهای مختلف جامعه بر جای نهاد.

همزمان با انقلاب مشروطه در ادبیات و به ویژه شعر نیز که سخن ما در این نوشتار بر سر آن است همراه با شکل‌گیری ادب و شعر سیاسی که از نظر مفاهیم جدید و انتقادات بی پروا به اصل حکومت و شخص حاکم با اشعار سیاسی پیش از مشروطه بسیار متفاوت بود یکی از مفاهیم جدیدی که همراه با رشد ناسیونالیسم ایرانی به ظهور رسیده و محملی برای ابراز علاقه شدید و بیان درد درونی نسبت به ایران شد مفهوم «وطن» بود.

از این پس در شعر تنی چند از شاعران پاکبخته می‌توان جرقه‌های آتشین شعر وطنی و هیجان مشروطه خواهی را که بزودی نیز از پذیرش و انتشار خاصی برخوردار گردید مشاهده کرد که به تدریج در شعر دیگران نیز راه یافت. صرف نظر از اشکال افراطی ناسیونالیسم، در شعر نیز

وطن خواهی مثبت و توجه به تاریخ و دستاوردهای ایران باستان با انگیزه شدید احساس عقب ماندگی و سرخوردگی روانی از مشاهده پیشرفتهای دول دیگر جریان داشت و گویی وطن به معشوق جدید بسیار از شاعران تبدیل شده بود. این انگیزه آنان را وادار می داشت که از سر اندوه و حسرت از بی سرو سامانی ایران که حاصل فقدان حکومتی مقتدر و مستقل از دخالت بیگانگان بود شکوه سر دهند و تصاویر متعددی از نابسامانیها و اوضاع وخیم اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ایران در قالب و به زبانی همه فهم ارائه دهند و حتی همراه با جریان ناسیونالیسم در ایران، گاه به افراط نیز کشیده شده حتی مثلاً به سمت شوونیزم تمایل یابند. تمامی این حالات را می توان در وطنیات بسیاری از شاعران مشروطه به ویژه اشعار بهار، دهخدا، میرزاده عشقی، لاهوتی، عارف قزوینی، سید اشرف، فرخی یزدی و... به وفور یافت.

تمام کوششها در این پژوهش بر آن بوده است تا ضمن تحلیل های تاریخی، زمینه ها و شرایط به وجود آمده در راستای گرایش و سمت یابی شعر مشروطه به سوی شعر سیاسی واقعی و نیز ویژگیهای آن، همچنین راهیابی تفکر ناسیونالیسم در حوزه اندیشه متفکران ایرانی دوران مشروطه و پیش از آن بررسی شده و سپس به نفوذ ناسیونالیسم و نمودی از آن در شعر و ادبیات در قالب اشعار وطنی پرداخته شود و چگونگی واکنش شاعران مشروطه را در مورد یکی از مهم ترین ارزشها و عرصه هایی که واکنش هر آزاده و اندیشمندی را به خود بر می انگیزد مطالعه نماید. بنابراین ضروری می نماید که هر چند به اختصار، در مورد برخی ویژگیها و سازماندهی این تحقیق نکاتی گفته آید.

۱- دلایل انتخاب موضوع و ضرورت و اهمیت انجام تحقیق:

تاکنون اصلاً یا حداقل با این وسعت پایان نامه ای در این موضوع خاص نگارش نیافته است و همین انگیزه که سالها نیز مطالعات جنبی ام را به همراه داشته و بیشترین اوقات فراغتم را به خود و نیز سیر در ادبیات فارسی و به ویژه شعر آن مشغول داشته مرا وادار نمود و بر آن داشت تا با بهره گیری از این مطالعات پراکنده و تحقیقات جدید و استفاده از محضر بزرگواران و اساتیدم در